

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

حضور در مجلسی که مطابق برنامه‌ی قبلی فقرا می‌نشینند، خودش ثواب دارد. البته برای اینکه خیلی ثوابش سنگین نباشد، بار دوش خسته نشود، بعضی‌ها یک کاری می‌کنند که از این بار کم بشود یعنی شروع می‌کنند به غیبت و دروغ گفتن با هم که این گناهای آن دربیاید ولی بعضی‌ها برای اینکه این ثوابش که می‌برند یک ثواب بیشتری باشد، اجر بیشتری ببرند، یا گوش می‌دهند به حرفی که زده می‌شود و یا حرف‌هایی می‌زنند که خودش ثواب دارد، به دیگران کمک می‌کنند و امثال اینها. حالا بطور طبیعی هر کسی یک کاری می‌کند، دلش می‌خواهد چند برابر بهره ببرد، نه اینکه بهره‌های نامشروع. پول بدهد ربا، ظاهراً بهره هست ولی خدا می‌گوید: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ (سوره بقره، آیه ۲۷۶) خداوند ربا را از بین می‌برد و صدقات را، کمک به دیگران را افزایش می‌دهد یعنی بهره‌وری می‌دهد. حالا از این بگذریم.

یکی از خواص امثال عید نوروز یا اعیادی از این قبیل که تعطیلات را زیاد می‌کند، فرصتی است برای مسافرت‌های یک‌خرده طولانی‌تر، به جای یک روزه، چهار، پنج روزه. در خیلی از این مسافرت‌ها یک آشنایی و روابط خانوادگی پیدا می‌شود که این هم از جهت معنا برای هر دو طرف و بلکه برای غیر از این دو طرف، دیگران هم خوب و مفید است، یادگاری می‌ماند و به علاوه از عادات و رسوم ممالک دیگر، اشخاص دیگر، ولایات و همچون دهات دیگر، می‌ماند یعنی کمک به اینکه تعدد به اصطلاح فرهنگ‌ها، تعدد عادات و مراسم تبدیل به وحدت بشود. البته در این جریان آن فرهنگ و عادت که تسلط معنوی بیشتر دارد، آن بهره‌وری بیشتر می‌برد ولی به هر جهت خوب است، مردم به هم نزدیک می‌شوند، اخلاق و آداب به هم نزدیک می‌شود. بطور کلی افکار مردم رو به جلو است.

البته نباید این تصوّر را کنید که چون اسلام آخرین دین است، بنابراین عادات و رسومی که مسلمین دارند تغییرپذیر نیست، نه! اولاً عادات و رسوم غیر از روش‌های دینی است. هر ملتی و هر قومی از جمع شدن افرادی که هدفشان، میل‌شان نزدیک به هم است یا مثل هم است، تشکیل شده. فرض کنید مسلمین هدفشان تجلیل از بزرگان دینی‌شان است، تجلیل از مگه و مراسم حج است، تجلیل از آداب و رسوم مذهبی‌شان است یعنی نماز، روزه. اینها به جای خودشان، البته این تجلیل عوض نمی‌شود یعنی تمام مسلمین از اول وجودشان که به دنیا می‌آیند و همچنین از اول اینکه به فکر رسیدن به این آداب و رسوم هستند، این آداب و رسوم برحسب مقتضیات فرق می‌کند. بطور

ساده فکر کنید مقتضیات این است که از بزرگان شان یا از نماز، روزه و اینها تجلیل کنند. این مستلزم این است که مجلسی تشکیل بدهند بطور معمول انسان‌ها در این مجلس یک خوراکی بیاورند. حالا این خوراکی در ایران چای است، در جای دیگر قهوه یا در اروپا مثلاً نوشابه‌ای است. اینها با هم متفاوت است ولی اصل، فرق نمی‌کند و همیشه دین تأکیدش روی اصل است. نمی‌گوید قهوه بخورید یا چای بخورید یا چه بخورید. در آداب اسلامی می‌گوید یک نوشابه‌ای بیاورند و بیشتر از آن انجام ندهند برای اینکه حواس‌ها پرت نشود. حالا این ممکن است چای باشد، قهوه باشد، بیسکویت باشد. این عرف و عادت مال انسان‌هاست، انسان‌ها ایجاد کردند و برای خودشان ایجاد کردند یعنی فکر کردند برای اینکه هم آداب و رسومی که دارند و مقررات شرعی که دارند، انجام بشود و تجلیل انجام بشود و همین که راحت باشند. مثلاً نگفتند که در یک چنین مجلسی فرض کنید شکار بیاورند، گوشت آهو کباب کنند، نه! یک چیزی که موقتاً حواس را جمع کند و زحمتی هم نداشته باشد.

عرف و عادات از این قبیل است، در این عرف و عادات که ملتی برای خودش ایجاد می‌کند، هیچ دشمنی با اصل ملیتش ندارد یعنی با اصل دعوت دینی‌اش منافاتی ندارد، در حول و حوش آن است که یکی از موارد اختلاف در انسان‌ها و اقوام این است که یک قومی روی عادات خودش یک کارهایی می‌کند، یک قوم دیگر می‌گوید این کاری که شما می‌کنید، ضدّ دین است. او می‌گوید: نخیر این ضدّ دین نیست، این در اطراف دین است. در واقع در اینجا هر دو می‌خواهند بگویند ما اصل دین را قبول داریم، اینها حواشی آن است. یک ملتی هم تشکیل شده از خانواده‌ها یعنی واحد اجتماعی خانواده است برای اینکه یک انسان در جامعه نقشی ندارد مگر وقتی که متشکل بود و عده‌ای دورش بودند. اولین واحد اجتماعی یعنی واحدی که انسان‌ها تشکیل می‌دهند و نقش اجتماعی دارد، خانواده است.

خداوند اول کم‌کم انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند الان هم نگاه کنید این خصلت در زن‌ها بیشتر است. این را من خیلی متوجه شده بودم در یک اتاق انتظارِ حمام‌های قدیم، حمام نمره یا حمام دوش، روزهای جمعه خیلی شلوغ می‌شود. اینها باید بنشینند منتظر نوبت. هیچ کاری ندارند، باید بنشینند بیکار تا وقتی نوبت‌شان برسد. اگر چند زن باشند و یا چند مرد، رفتارشان را دقت کنید، وقتی که آن نوبت‌شان تمام شد، نتیجه این است که یک خانمی با چهار، پنج خانم دیگر آشنا شدند، رفیق شدند با هم وعده‌ی آش دادند، از این حرف‌ها و همه هم را می‌شناسند دیگر. اما مردها، سرشان پایین است، هیچ ارتباطی با هم نمی‌گیرند. در واقع این حاشیه بود که ببینید نقش زن در جامعه خیلی مهمتر از نقش مرد است. مرد اداره می‌کند، مدیریت کلّ جامعه را دارد برای اینکه جامعه مستعد باشد و زن‌ها ارتباط را با هم برقرار می‌کنند. به این طریق تدریجاً جامعه از تعدّد نظرات خلاص می‌شود و تبدیل به واحد می‌شود. بنابراین در این مسأله‌ی خانواده‌ها که باید به هم ارتباط داشته باشند باید

کم کم نزدیک به واحد بشوند، اگر در چنین خانواده‌ای یک امری موجب تفرقه باشد، بسیار بد است و در واقع گناه آن شخص بیشتر از دیگران است. متأسفانه در امروز چون همه چیز سیاسی شده، موجب شده‌اند که از اسم درویشی ناراحت بشوند. ابوعلی سینا یک وقتی تکفیرش کرده بودند، ابوعلی سینا شیعه‌ی اثنی‌عشری یا چیز دیگر، به هر جهت شیعه بود. همانطوری که حالا به طرق مختلف تکفیر می‌کنند، الحمدلله حالا خیلی بهتر شده و درجه‌ی فهم آن تکفیرکنندگان سابق بالاتر رفته و دیگر از این کارها نمی‌کنند. ابوعلی سینا را گفتند که کافر است، ابوعلی سینا جواب داد:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود

محکمتر از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آن هم کافر

پس در همه دهر یک مسلمان نبود

این است که باید به خصوص خانواده‌ها سعی کنند که خیلی انس و محبت داشته باشند با توجه به آنچه در بیانیه‌ی عید نو شتم که این عشق و محبت موجب فساد می‌شود و این کاری که درویشی می‌کند به عکس درست ضد این است، همه را به هم نزدیک می‌کند و با اغماض و تساهل و تسامح می‌گوید که به هم نزدیک بشوید، از خطاهای انفرادی یکدیگر بگذرید. همه مان انسان هستیم، همه در انسانیت هستیم. بنابراین خانواده‌ای که این را رعایت می‌کند، مسلماً به هدف انسانیت نزدیک‌تر است و زندگی راحت‌تر و بهتری خواهد داشت و زنده‌تر از دروغ‌پردازی و این چیزها. این مسأله را که یک مسأله‌ی جمعی بود، دستور اجتماعی است، رعایت کنید تا زندگی ما، با همه‌ی مردم سازگار باشد. در مواردی که جامعه را به هم نزدیک می‌کند، از خانواده بهتر و زودتر شروع می‌شود یعنی دو نفر که ممکن است اصلاً همان دو نفری که سر حمام منتظر بودند، ناآشنا با هم نشسته بودند بغل دست هم، بعد هم ناآشنا بلند می‌شدند و می‌رفتند. همان دو نفر اگر خانواده‌شان با هم نزدیک بشود، دیگر ناآشنا از هم بلند نمی‌شوند. انسان‌ها با هم آشنا هستند، همه‌ی انسان‌ها در مقام سلوک و رفتن به سوی خداوند، دارای یک استعداد و یک دستورالعمل هستند یعنی همه مثل هم هستند. منتها زنده‌ها! در دنیای امروزی معاشرت‌ها را خیلی سنگین کردند، جز معاشرت‌های درویشی. نه همه‌ی درویش‌ها چون متأسفانه در بین درویش‌ها، در خانواده‌های درویش‌ها، نگرانی زیاد هست ولی افراد درویش در جلسات و معاشرت‌هایی که خاص درویشی تشکیل می‌شود، مجالس شب دوشنبه، جمعه، اعیاد و اینها که به هم نزدیک می‌شوند، اینها قدم‌های ولو کوتاهی است رو به سمت وحدت، رو به سمت رسیدن به وحدت، ان شاء الله ما همه موفق در این راه باشیم. (برگرفته از

گفتارهای عرفانی صبح یکشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۸)

یک مسائلی است که هم اطباء برخورد دارند و هم آقایان حقوق دان. مثلاً فرض کنید همین رجم اجاره‌ای که می‌گویند منظور چیست؟ تشخیص اینها غیر از جنبه‌ی اخلاقی، عرفانی، جنبه‌ی شرعی هم دارد. این را از آقایان علماء پرسید. البته علماء ممکن است، این چیزها را ندانند. تا گفتید می‌گویند که چی؟ حالا می‌خواهید بگویید جایز است یا نه؟ یک کلمه استخاره می‌کنند که می‌گویند جایز است، می‌نویسند «جایز است» ولی بدانند چیست، این خیلی مشکل است و به همین جهت هم شاید بوده که قدیم می‌گفتند: هر کسی همینطوری حق قضاوت یا اینها ندارد مگر مجتهد مسلم به آنها اجتهاد بدهد. اجتهاد هم یعنی فهم برای یک کاری. لازم دارد به آن فهم. اینها را خودتان هم اگر برسید راجع به آن بحث کنید که بعد هم اینجا بحث کنید همه بشنوند، خوب است. رجم اجاره‌ای چیست؟ بخشیدن عضو چیست؟ بخشیدن جنازه‌ی خودش را که بگوید بعد از مرگ من بدهید به دانشگاه، می‌تواند بدهد یا نه؟ و امثال اینها. اینها خیلی مسائل هست که اگر بحث کنید خیلی نکات خوبی از آنها درمی‌آید و امروز هم خیلی مورد مراجعه است. استادی گفته بود که آخر این بشر امروزی چه تضادی در زندگی اش است؟ از یک طرف یک پیرمردی را که دارد می‌رود، اینقدر نگره می‌دارند با سوزن و با آمپول که این ادامه‌ی زندگی بدهد و یک جوانی که آماده‌ی زندگی است، او را به سهولت از بین می‌برند. یک چیزهای اخلاقی‌ای که در این هست. این مسائل خیلی مشکل تر است. اینها ممکن هم است اگر ندانیم، آن کسی که برخورد می‌کند، یک تصمیمی بگیرد که هم به ضرر خودش باشد و هم به ضرر این شخص، اینها را بحث کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۴، جلسه وکلا و پزشکان)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.